

## **The Foundations, Position and Effects of the Rule of "Wahn" in Islamic Government**

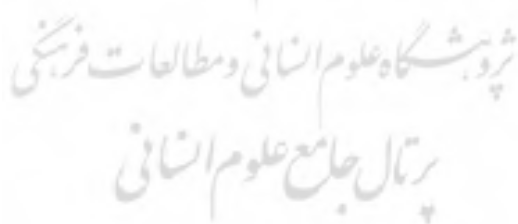
**Seyed Mohammad Mirlowhi\***

### **Abstract**

Preventing behaviors that cause desecration of religion has been concerned of Shia jurists. Based on this, it can be seen that in some cases, the jurists have made the prohibition of defamation of religion a document of the sanctity of some acts of the obligees. This article, with a descriptive-analytical method, seeks to explain the position, foundations and effects of the rule of sanctity and desecration of religion in the Islamic government. After explaining the concept of blasphemy, he explains the foundations and rational and narrative documentation and the position of the mentioned rule, and finally, it will lead to the conclusion that it is possible to invoke this rule, in the field of obligations and prohibitions, only by observing the rules of the titles (rules) secondary, in a limited, temporary manner, according to the recognition of custom and with the decree of the Islamic ruler, it will be possible, and in this case, the Islamic government will be obliged to remove the obstacles to the implementation of Sharia in the society.

### **Keywords**

Wahn, Jurisprudence Rule, Islamic Government, Secondary Rulings



---

\* PhD student in Public Law, Faculty of Law and Political Sciences, Shiraz, Iran.

s.m.mirlowy@gmail.com

## مبانی، جایگاه و آثار قاعده «حرمت وهن دین» در حکومت اسلامی

سیدمحمد میرلوحی\*

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

### چکیده

جلوگیری از رفتارهایی که موجب وهن دین می‌شود، یکی از دغدغه‌های فقهای شیعه بوده و هست. فقها در مواردی، ممنوعیت وهن دین را مستند حرمت برخی اعمال مکلفان قرار داده‌اند. اکنون باید دانست که آیا می‌توان حرمت وهن دین را به صورت قاعده فقهی مطرح ساخت و این شناسایی چه آثاری در پی دارد؛ یعنی قلمرو اعمال این قاعده تا کجاست و آیا می‌توان در مقام تعارض اجرای برخی احکام الزامی اسلام با وهن دین، با استناد به این قاعده، از اجرای برخی احکام شریعت دست کشید. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در پی تبیین جایگاه، مبانی و آثار قاعده حرمت وهن دین در حکومت اسلامی است. از این رو پس از تبیین مفهوم وهن دین، مبانی و مستندات عقلی و نقلی و جایگاه قاعده یادشده را بیان می‌کند و در نهایت، به این نتیجه رهنمون می‌شود که امکان استناد به این قاعده در زمینه واجبات و محرمات تنها با رعایت ضوابط عناوین (احکام) ثانویه، به صورت محدود و موقت، بنا به تشخیص عرف و با حکم حاکم اسلامی ممکن خواهد بود و در این صورت نیز حکومت اسلامی، موظف به زدودن موانع اجرای شریعت در جامعه خواهد بود.

### واژگان کلیدی

وهن دین، قاعده فقهی، حکومت اسلامی، احکام ثانویه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شیراز، ایران s.m.mirlohy@gmail.com

## مقدمه

فقه‌های شیعه در فتاوا و استفتائات خود، برخی رفتارها را با استناد به جایز نبودن کاری که موجب وهن دین (اسلام) شود، ممنوع می‌شمارند. در دنیای امروز که دشمنی‌ها و هجمه‌ها علیه اسلام به نام حقوق بشر و ضد انسانی شمردن برخی دستورات اسلام - خصوصاً مجازات‌های به‌ظاهر خشن - شدت گرفته است، ضرورت پرداختن به این بحث بیشتر احساس می‌شود. از جانب مراجع رسمی جمهوری اسلامی ایران نیز گاه برخی صاحب‌منصبان نظام به‌صراحت به این مسئله اذعان دارند. برای مثال، دادستان کل کشور در دی سال ۱۳۹۷ اظهار داشت «قاضی بر اساس قوانین رأی صادر می‌کند؛ البته در برخی موارد ما می‌ترسیم که انگ‌ حقوق بشر در این جرائم به ما بزنند و کمی رأی‌ها با ملاحظه صادر می‌شود. ما در فقه هم داریم که اگر کسی دزدی کرد، باید دستش قطع شود، ولی آیا چنین آرای صادر می‌شود؟! این ملاحظات باعث شده است تا از حدود الهی دست بکشیم درحالی‌که تمام مسلمانان به آن اعتقاد دارند!». با عنایت به اهمیت این مسئله و آثار و نتایجی که به دنبال دارد، می‌توان آن را به‌صورت قاعده فقهی مطرح ساخت و با استخراج ملاکی مشخص، راه درست تعامل با این هجمه‌ها و راهکار جمع میان شریعت محوری و اجرای دستورات شریعت را با مرتفع ساختن این ایرادها استنباط کرد. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که مفهوم، جایگاه و آثار قاعده فقهی حرمت وهن دین چیست؟

اندیشمندان اسلامی درباره چگونگی مواجهه با هجمه‌های حقوق بشری بیگانگان علیه اسلام و مسلمانان، دیدگاه‌های متفاوتی دارند. بعضی معتقدند اجرای حدود به‌گونه‌ای که در شرع مقدس بیان شده است، قابل تغییر نیست و برخلاف مصلحت اسلام هم نیست (صافی گلپایگانی، الف). برای مثال، در زنايي که موجب رجم است، باید رجم انجام شود و جایگزین ندارد و احکام اسلام تابع میول و اذواق و سلیقه‌ها و عرف‌های مختلف نیست، بلکه تابع مصالح واقعیه است (صافی گلپایگانی، ب). برخی دیگر در برابر موازین حقوق بشری - که مولود تفکرات غربی هستند - اصل را اجرای آن‌ها می‌دانند و تفسیری از آموزه‌های اسلام ارائه می‌دهند که سازگار با آن موازین مدرن باشد (کدیور، ۱۳۸۶). رویکرد دیگری که مقاله حاضر نیز بر آن تأکید دارد، این است که اصل بر اجرای کامل تمام دستورات اسلام است و هنگام بروز تعارضات عملی در مقام اجرا نمی‌توان حکم کلی و عام‌الشمول صادر کرد و در هر مورد، با عنایت به شرایط زمان و مکان باید حکم صحیح را از منابع معتبر فقهی استنباط کرد و به اجرا گذارد.

پژوهش حاضر با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای در گردآوری اطلاعات با هدف پاسخ به مسئله اصلی مقاله، در سه بند سامان یافته است. در بند نخست، مفهوم، مصادیق و جایگاه قاعده حرمت وهن دین بررسی می‌شود. بند دوم، متکفل تبیین مبانی و مستندات این قاعده است. بند سوم نیز قلمرو اعمال قاعده یادشده و وظایف حکومت اسلامی در قبال اجرای آن را روشن می‌سازد.

### ۱- مفهوم، مصادیق و جایگاه قاعده

در این بخش، ابتدا به برخی از مهم‌ترین مصادیق وهن در کلام فقهای شیعه اشاره می‌شود. سپس مفهوم وهن دین تبیین می‌شود. پس آنگاه جایگاه قاعده حرمت وهن دین مورد تدقیق قرار می‌گیرد.

#### ۱-۱- برخی مصادیق وهن در کلام فقها

فقهای معاصر شیعه از واژه «وهن» افزون‌بر وهن دین در موارد دیگری نیز استفاده کرده‌اند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱. وهن مذهب: فقهای شیعه، اعمالی که موجب بدنامی و وهن مذهب تشیع در انظار جهانی شود از قبیل قمه‌زنی و دیگر شیوه‌های عزاداری نامعقول را جایز نمی‌دانند (خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۱۰۲۶). بر این مبنای، اعمال دیگری را که در شرایط عادی، مباح و بعضاً مستحب به شمار می‌آیند نیز ممنوع اعلام کرده‌اند مانند دخیل بستن به نرده‌های قبرستان بقیع، تبرک جستن به ضریح پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و... در شهر مدینه‌النبی و در مقابل دیدگان وهابیان که چنین اعمالی را به‌مثابه شریک قائل شدن برای خداوند می‌پندارند (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۲۶ق: ۲۰۰). ایشان به‌صراحت، هر رفتار دیگری از این قبیل را در ایام حج که موجب وهن مذهب شود، حرام اعلام کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۳/۳).

۲. وهن دولت (نظام) اسلامی: بدین مفهوم که مردم مسلمان ایران نباید کاری انجام دهند که موجب سست شدن وجهه نظام اسلامی در انظار جهانیان شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۴۴۱).

۳. وهن مؤمن: بر اساس روایت «المؤمن أعظم حُرمة من الكعبة» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۷)، مؤمنان نباید کاری که موجب آبروریزی یا زیر سؤال رفتن عزت آنان شود، انجام دهند (خامنه‌ای، پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری). بنابراین، خود مؤمنان اجازه ندارند مقدمه‌ساز رفتاری که موجب وهن آنان توسط دیگران شود، باشند. حتی اگر این رفتار، عزیمت به مکه برای اعمال حج تمتع - که واجب است - باشد؛ زیرا حرمت مؤمن بالاتر از

حرمت کعبه شمرده شده است (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۵/۶/۱۹).

۴. وهن مسجد: کارهایی در فضای مسجد که موجب بی‌احترامی به مسجد باشد، جایز نیست (مظاهری، ۱۳۹۵، ج ۱: سؤال ۹۲۷).

افزون بر کتاب‌های فقهی، در مباحث اخلاقی نیز علمای علم اخلاق به این مسئله عنایت داشته‌اند. برای مثال، در مبحث «آفات زبان»، یکی از مواردی که ممنوع شمرده شده، این است که انسان با سخت‌گیری نسبت به مردم و بیان عباداتی که نوعاً افراد قادر به انجام دادن آن‌ها نیستند، موجب تنفر و بیزاری آنان از شریعت و عبادات شود (ملکی تبریزی، ۱۳۷۶: ۲۸۵).

### ۱-۲- مفهوم وهن دین

«وهن» در لغت به معنای ضعف، سست شدن (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶: ۲۱۵)، خوار شدن، توهین، تحقیر و سرشکستگی آمده است (عمید، ۱۳۹۰، ج ۲: واژه «وهن»). می‌توان چنین گفت که «وهن دین (اسلام) به معنای ارتکاب هر رفتاری است که موجب تضعیف شدن دین و تحقیر و سرشکسته شدن اسلام شود».

تعاریف دیگری نیز از وهن دین ارائه شده که به آن‌ها اشاره می‌شود. «سست نشان دادن دین در نگاه ناظران بیرونی (عرف عقلای عالم) به دلیل فقدان توجیه منطقی». «وهن دین یعنی تضعیف دین و هر عملی که سبب تضعیف دین شود، جایز نیست» (حیدری، شماره ۳ پیوست). «یعنی دین، ضعیف و سست شود و دیگران با بی‌حرمتی به مذهب نگاه و به مذهب بی‌احترامی کنند» (هادوی تهرانی، شماره ۶ پیوست). «هر کاری که موجب بدبین شدن دیگران به دین و مذهب و پایین آمدن ارزش دین باشد» (مکارم شیرازی، شماره ۵ پیوست).

ضابطه موهن دین بودن یک رفتار را باید عرفی دانست (هادوی تهرانی، شماره ۶ پیوست). بدین معنا که رفتاری را می‌توان موهن دین قلمداد کرد که عرفاً موجب غیرمنطقی یا غیراخلاقی یا فاقد اصالت الهی نشان دادن دین و دلزدگی مردم از دین شود.

با عنایت به روشن شدن مفهوم دقیق وهن دین، تفاوت این مفهوم با مفاهیم مشابه آن روشن می‌شود؛ مفاهیمی مانند اهانت یا تمسخر و استهزا. بنابراین، وهن دین به معنای خودداری از رفتارهایی که موجب اهانت دیگران به دین یا رفتارهایی که سبب شود دیگران دین و دینداران را تمسخر کنند، نیست و نباید با این مفاهیم، اشتباه گرفته شود. گفتنی است که ممنوعیت اهانت به مقدسات اسلام، در مبحث جداگانه و تحت عنوان قاعده «حرمة اهانة المحترمات» در فقه شیعه

مطرح شده است.<sup>۱</sup>

### ۱-۳- جایگاه قاعده

قواعد فقهی فرمول‌های بسیار کلی هستند که منشأ استنباط قوانین محدودتر می‌شوند و به یک مورد ویژه اختصاص ندارند، بلکه مبنای قوانین مختلف و متعدد قرار می‌گیرند (محقق داماد یزدی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲). با عنایت به اینکه تعداد قواعد فقهی در طول تاریخ فقه شیعه، افزایش یافته و منعی در ایجاد قواعد فقهی جدید وجود ندارد، می‌توان حرمت وهن دین را به صورت قاعده فقهی مطرح ساخت و به تبیین مبانی آن پرداخت.

این قاعده را مانند قواعد دیگر مثل مصلحت و اضطراب باید از عناوین ثانویه دانست. احکام (عناوین) ثانوی در برابر احکام اولیه قرار دارد. احکام اولیه، احکامی از دین اسلام هستند که برای موضوعات قرار داده شده‌اند فارغ از حالات خاصی که ممکن است بر آن‌ها عارض شود. احکام ثانوی، احکامی هستند که هنگام عارض شدن برخی حالات خاص وضع می‌شوند و احکام اولیه را تحت تأثیر قرار می‌دهند و آن را تبدیل به حکم دیگری می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ب، ج ۳: ۲۱۵). نمونه مشهوری که معمولاً در این باره گفته می‌شود، مسئله اکل میته است. بر اساس حکم اولیه، خوردن گوشت حیوانی که طبق دستور اسلام ذبح نشده باشد یا هر چیز حرام دیگری جایز نیست، اما اگر انسان هیچ خوراکی دیگری نیابد و برای ادامه حیات خود نیازمند استفاده از آن باشد، بر اساس حکم ثانویه باید از آن گوشت بخورد تا زنده بماند. نکته گفتنی اینکه، عمل مکلف بر طبق احکام ثانویه نیز مانند عمل به احکام اولیه، عمل به دستور شریعت است؛ زیرا این احکام نیز توسط شریعت وضع و تشریح شده‌اند و این از امتیازات دین اسلام است که برای شرایط استثنایی نیز پیش‌بینی لازم را فرموده است.

### ۲- مبانی و مستندات قاعده

می‌توان مبانی و مستندات را برای اثبات حرمت وهن دین بیان کرد که به برخی از آن‌ها در بعضی منابع اشاره شده است. در این بخش، ضمن مطرح ساختن این ادله، حجیت<sup>۲</sup> یا عدم حجیت آن‌ها از نظر شرعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- برای مثال ن. ک به: موسوی بجنوردی، سیدحسن بن آقا بزرگ (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهية، ج ۵، قم: الهادی، صص ۲۹۱ به بعد.

۲- منظور از «حجیت» در دانش اصول فقه، چیزی است که با امضا یا تأیید شرع معتبر باشد و حکم یا موضوع حکم را اثبات کند (مظفر، بی تا، ج ۲: ۱۳).

## ۲-۱- جاری ساختن قیاس اولویت

برخی به‌عنوان یک دلیل در این زمینه، این مسئله را با مسئله عدم جواز انجام دادن کاری که موجب وهن مسلمان شود، قیاس می‌کنند. ایشان اعتقاد دارند همان‌گونه که مؤمن نمی‌تواند لباسی بپوشد که موجب خواری و ذلت او شود، نمی‌تواند رفتاری انجام دهد که موجب وهن اسلام و مسلمانی شود. هر مسلمانی موظف است به‌گونه‌ای مسلمانی کند که اسلام متهم نشود و از سوی دیگران به‌عنوان آیینی که همگان از آن بیزاری جویند، شناخته نشود، بلکه اسلام باید چنان نمایانده شود که هر کسی افتخار کند به اسلام و مسلمانی، شناخته و معروف شود (انصاریان، ۱۳۸۹/۱۲/۱۸). از آنجا که قیاس اولویت در فقه شیعه پذیرفته شده است، این دلیل را می‌توان شرعاً حجت دانست.

## ۲-۲- استناد به آیه قرآن

دلیل دیگر، استناد به آیه ۱۰۴ سوره مبارکه بقره بدین شرح است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا نُظْرْنَا وَ أَسْمَعُوا وَ لِّلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ». با عنایت به شأن نزول این آیه، مسلمانان باید در برنامه‌های خود مراقب باشند که هرگز بهانه به دست دشمن ندهند و حتی از جمله کوتاه ساده‌ای که ممکن است سوژه‌ای برای سوءاستفاده دشمنان شود، احتراز جویند. قرآن کریم با صراحت برای جلوگیری از سوءاستفاده مخالفان به مؤمنان توصیه می‌کند که حتی از گفتن واژه‌ای که ممکن است دشمن از آن معنای دیگری قصد کند و به تضعیف روحیه مؤمنان بپردازد پرهیز کنند. دامنه سخن و تعبیر، وسیع است و لزومی ندارد که انسان عبارتهایی را که قابل تحریف و سخریه دشمن باشد استعمال کند. حال که اسلام تا این اندازه اجازه نمی‌دهد بهانه‌ای به دست دشمنان داده شود، تکلیف مسلمانان در مسائل بزرگ‌تر روشن است. وظیفه تمام مسلمانان این است که از این امور پرهیز کنند تا بی‌جهت مستمسکی برای دشمنان داخلی و خارجی پدید نیاید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۳۸۵). به نظر می‌رسد این دلیل نیز که به‌نوعی جاری ساختن قیاس اولویت است، حجت دارد.

## ۲-۳- استناد به روایات

به‌عنوان دلیل دیگر، به چند روایت با یک مضمون اشاره شده است که روایت «کونوا لنا زیناً و لا تکونوا علينا شیناً» و روایت «... باب یوهن به‌الحق فهو حرام محرّم...» هستند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷: ۸۵). بعضی به این دو روایت در این زمینه استناد جسته‌اند و در پی اثبات این نکته هستند که حتی می‌توان اگر انجام دادن برخی واجبات موجب وهن دین می‌شود، از انجام دادن آن واجبات

دست کشید. در خصوص دلالت روایات یادشده باید اظهار داشت که بر مبنای آنها، حداکثر می‌توان از امور مباح و مستحبی دست کشید و واجبات را نمی‌توان به این بهانه تعطیل کرد و حلال و حرام الهی را تغییر داد. روایت نخست به دو صورت<sup>۱</sup> ضبط شده و در هر دو مورد، سیاق روایت نشان‌دهنده این نکته است که در مقام بیان لزوم رعایت نکات و آداب رفتاری و اخلاقی برای شیعیان صادر شده است. روایت دوم نیز همین وضعیت را دارد. از این رو این روایات از حیثه واجبات و حدود - که به صورت علی‌حده، روایات بسیاری در خصوص لزوم اجرای حدود وارد شده - تخصصاً (خروج حقیقی یک موضوع از شمول موضوع عام) خارج است و برای اثبات این مسئله باید به ادله دیگر توسل جست.

#### ۲-۴- اخذ ملاک از قاعده ممنوعیت اجرای حدود در سرزمین دشمن

روایات بسیاری در کتاب‌های معتبر شیعه نقل شده است که دلالت بر عدم جواز اقامه حدود در سرزمین دشمنان اسلام می‌کند. این روایات که یک فصل در کتاب روایی *وسایل‌الشیعه* با عنوان «بَابُ أَنَّهُ لَا يُقَامُ الْحَدُّ عَلَى أَحَدٍ فِي أَرْضِ الْعَدُوِّ» را به خود اختصاص داده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸: ۲۴)، دلیل این موضوع را احتراز از تحت تأثیر حمیت (عصیت) جاهلی قرار گرفتن و پیوستن شخصی که حد بر وی جاری شده است به دشمنان، عنوان کرده‌اند. برخی ممکن است ادعا کنند این ممنوعیت به دلیل این است که اگر کفار شاهد اجرای حد باشند، چه بسا با مشاهده چهره‌ای خشن از شریعت اسلام، از گرویدن به این آیین جاودانی منصرف شوند و در نتیجه، مانعی در راه هدایت انسان‌ها پدید آید. به نظر می‌رسد این روایات در زمینه اثبات حرمت وهن دین کارآمد نباشد؛ زیرا در ذیل آنها، فلسفه اجرا نکردن حد در سرزمین دشمن بدین صورت بیان شده که ممکن است آن مسلمانی که حد بر او جاری شده است، به دشمن بپیوندد. از این رو اگر کسی بخواهد ادعا کند که دلیل این عدم اجرا، ممنوعیت وهن دین است، دلیل را از جانب خودش استنباط کرده و مرتکب قیاس مستنبط‌العله شده است که در فقه شیعه حجیت ندارد. همچنین،

۱- «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَوْصِيَنِي فَقَالَ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ وَالْعِبَادَةِ وَ طَوْلِ السُّجُودِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ حَسَنِ الْجَوَارِ فِيهَا جَاءَنَا مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه و آله) صَلُّوا فِي عَشَائِرِكُمْ وَ عُدُّوا مَرْضَاتِكُمْ وَ أَشْهَدُوا جَنَائِزَكُمْ وَ كُونُوا لَنَا زِيناً وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْئاً حَبِيبُونَ إِلَى النَّاسِ وَ لَا تَبْغُضُوا إِلَيْهِمْ فَجُرُوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَ ادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ شَرٍّ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۸). «مَعَاشِرَ الشَّيْعَةِ كُونُوا لَنَا زِيناً وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْئاً قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً وَ أَحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ كَفُّوْهَا عَنِ الْفُضُولِ وَ قَبِيحِ الْقَوْلِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۱۹۴). این روایت در فصلی با عنوان «بَابُ وَجُوبِ عَشْرَةِ النَّاسِ حَتَّى الْعَامَّةِ بِآدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ إِقَامَةِ الشَّهَادَةِ وَالصَّدَقِ وَ اسْتِحْبَابِ عِبَادَةِ الْمَرْضَى وَ شُهُودِ الْجَنَائِزِ وَ حَسَنِ الْجَوَارِ وَالصَّلَاةِ فِي الْمَسَاجِدِ» بیان شده است.



می‌توان گفت چه بسا این حکم در یک مورد خاص بوده و مصلحت خاصی وجود داشته - مانند کم بودن تعداد مسلمانان در آن نبرد و به‌عنوان یک تدبیر (تاکتیک) جنگی - که چنین دستوری صادر شده است.

## ۲-۵- حرمت اهانت به مقدسات دیگر ادیان

دلیل دیگری که شاید برخی بدان متوسل شوند، موضوعی است که فقهای شیعه از آیه ۱۰۸ سوره مبارکه انعام<sup>۱</sup> با عنوان حرمت اهانت به مقدسات دیگران استنباط کرده‌اند. دلیل این ممنوعیت نیز طبق آیه شریفه این است که اهانت به مقدسات دیگران موجب می‌شود آنان نیز در واکنش به این اهانت، از روی نادانی به مقدسات مسلمانان و اصول اسلامی توهین کنند، اما از این مسئله در ما نحن فیه نمی‌توان سود جست؛ زیرا موضوعی که در آیه شریفه مطرح شده، بحث «اهانت» یا توهین است و همان‌طور که در بخش نخست مقاله حاضر اشاره شد، با مفهوم «وهن» تفاوت دارد.

## ۲-۶- اصل اجرای تدریجی شریعت

موضوع دیگری که در این راستا به‌عنوان دلیل مورد استناد قرار گرفته، موضوعی با عنوان «اصل اجرای تدریجی شریعت» است. برخی معتقدند این اصل افزون‌بر اینکه در هنگام بیان و تبلیغ احکام وجود داشته است، در اجرای دستورات شریعت نیز جریان دارد و می‌تواند یکی از ادله قاعده حرمت وهن دین به شمار رود. با این تفسیر که احکام اسلام به تدریج و با تناوب زمانی در جامعه به اجرا درآیند و برخی احکام که مورد پذیرش مردم نیست و اجرای آن‌ها موجب وهن دین می‌شوند، اجرا نشوند (نوبهار، ۱۳۸۴: ۱۴۳). در جهت رد این دلیل چند نکته اجمالی در راستای زیر سؤال بردن اصل یادشده و اثبات اصل فوریت اجرای شریعت بیان می‌شود.<sup>۲</sup>

بر اساس روایاتی که از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نقل شده، تعطیل کردن حدود الهی ممنوع اعلام شده است و ایشان اجازه معطل گذاشتن این حدود را نمی‌دادند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۷۵). تأخیر در اجرای حدود نیز به دلیل اینکه عنوان تعطیل - گرچه به صورت موقتی و برای زمانی محدود - بر آن صدق می‌کند، ملحق به تعطیل است و جایز نیست.

۱- «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».

۲- تفصیل این مبحث در مقاله جداگانه‌ای مطرح شده است؛ اسماعیلی، محسن و سیدمحمد میرلوحی (۱۳۹۷). اصل فوریت اجرای شریعت توسط حاکمان و استثنائات آن بر پایه آیات و روایات، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۲۳، صص ۹۷-۱۱۷.

طبق روایات، امیرالمؤمنین (علیه السلام) هیچ گاه رضایت به تعطیل شدن حدود نمی داد و تعطیل حدود الهی را عناد و دشمنی با خداوند می شمرد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۱۸۷). آن حضرت، شفاعت (میانجیگری) کسی را در خصوص اجرا نکردن حدود نمی پذیرفت (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸: ۴۳). پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) کفالت (کفیل گرفتن) در حدود را جایز نمی دانست (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸: ۴۳). حضرت علی (علیه السلام) حتی یک ساعت (زمان کوتاهی) درنگ در اجرای حدود را بر نمی تابید (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸: ۴۷). اهمیت اجرای حدود در اسلام به اندازه ای است که در روایت، اجرای یک حد در روی زمین بابرکت تر از بارش ۴۰ شبانه روز باران شمرده شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸: ۱۲).

فقهای امامیه بر مبنای همین روایات، در جایی که مسئله اجرای یکی از حدود الهی در میان باشد، احتیاط کردن را جایز نمی دانند. حتی هنگامی که مسئله دمای مسلمین (جان یک مسلمان) مطرح باشد. در صورتی که در دیگر موارد، معمولاً فقها هنگامی که اجرای حکمی با لزوم احتیاط در دمای مسلمین در تعارض باشد، غالباً قائل به احتیاط می شوند و جانب احتیاط را می گیرند (موسوی خویی، بی تا، ج ۱: ۱۳). برای مثال، فتوا می دهند هنگامی که اجرای حدی بر فردی واجب است، اگر بدن وی جراحتی داشته باشد، این جراحت مانع از اجرای حد بر او نیست و واجب است در همان وضعیت، حد را جاری ساخت (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳: ۶۱). فقها در خصوص اجرای حدود الهی، احتیاط را جاری نمی دانند؛ زیرا احتیاط در اینجا اساساً خلاف احتیاط است (فیاض کابلی، بی تا، ج ۵: ۱۲۹).

شارع مقدس کسانی که دین خود را لَهو و لعب (بازیچه) بشمارند، نکوهش فرموده است.<sup>۱</sup> لعب شمردن دین به معنای اعتنا نکردن، سبک شمردن و جدی نگرفتن دستورات آن (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۱۹۱) و برخورد دلبخواهی کردن با دستورات دین است (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۴: ۳۵۵). بدین معنا که به آنچه از دستورات دین که تمایل دارند، عمل می کنند و آنچه را که مورد پسند آنان نیست، کنار می گذارند. این آیه شریفه، دلالت بر این دارد که حقیقت دین و دینداری حقیقی، تسلیم بودن و خضوع کردن و گردن نهادن کامل در در مقابل احکام و قوانین تکوینی و تشریحی خداوند است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۲۹۰).

۱- «الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَ لَعِبًا وَ غَرَّتهمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَ مَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ» (اعراف/۵۱)؛ «وَ ذَرَالَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَ لَهْوًا...» (انعام/۷۰).

تبعیض در دین نیز از نظر شارع مقدس مردود اعلام شده است.<sup>۱</sup> پذیرش قوانین مخالف اسلام و نشان دادن آن قوانین به جای قوانین اسلام نوعی تبعیض در دین و ممنوع است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۴۲۳). قرآن کریم، یهودیان را به دلیل اعمال ضدونقیض و اعمال تبعیض در اجرای احکام الهی مورد سرزنش قرار داده و به مجازاتی سنگین تهدید می‌کند.<sup>۲</sup> آنان تنها به احکامی عمل می‌کردند که از نظر دنیوی به نفع آنان بود. بنابراین، تبعیض در اجرای قوانین الهی نشانه سرکشی و احياناً بی‌ایمانی است. اثر ایمان حقیقی و تسلیم در برابر حضرت حق آنجا ظاهر می‌شود که انسان تمام قوانین شرع را حتی اگر متعارض با منافع شخصی او باشد، محترم بشمارد و به آن‌ها عمل کند؛ البته این مسئله منحصر به بنی‌اسرائیل نیست و در خصوص مسلمانان نیز جاری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۳۲). به دنبال همین مبحث باید اشاره کرد که قرآن کریم شرط ایمان حقیقی را اطاعت از دستورات اسلام دانسته است و کسانی را که تنها با زبان خود اظهار ایمان می‌کنند، اما از اجرای دستورات اسلام شانه خالی می‌کنند، مؤمن حقیقی به شمار نمی‌آورد و تنها کسانی را مؤمن حقیقی می‌داند که از اوامر خداوند متعال و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اطاعت کنند (نور/۴۷ و ۵۱).<sup>۳</sup>

در سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز مشاهده می‌شود که آن حضرت تمام دستورات را بدون مسامحه اجرا می‌فرمود و چنین نبود که از اجرای برخی دستورات کوتاه بیاید و رخصت ترک برخی دستورات دین را به کسی نمی‌داد. از این رو سیره عملی آن حضرت نیز گواهی بر ممنوعیت تبعیض در دین است. برای مثال، هنگامی که نمایندگان قبیله ثقیف خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رسیدند و مسلمان شدند، از حضرت خواستند که تا مدتی الهه (بت) آنان را ویران نفرماید، اما حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) با صدور دستور تخریب آن، حتی اجازه بقای آن بت برای چند روز را هم نداد و در برابر درخواست آنان کوتاه نیامد (عاملی، ۱۳۸۶، ج ۲۸: ۱۲۴). در قضیه مشابهی، همین قبیله از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) خواستند که آنان را از اقامه نماز معاف فرماید، اما حضرت به این درخواست آنان نیز پاسخ منفی داد و اجازه نداد که هیچ‌یک از احکام الهی نقض و تعطیل

۱- «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» (نساء/۱۵۰).

۲- «... أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ...» (بقره/۸۵).

۳- «وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ» «إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

شود (عاملی، ۱۳۸۶، ج ۲۸: ۱۱۷).

بنابراین، اصل را نباید بر اجرای تدریجی شریعت دانست و باید طبق اصل فوریت اجرای شریعت رفتار کرد؛ البته این اصل، استثنائاتی در مقام اجرا دارد که در ادامه اشاره خواهد شد.

## ۲-۷- قیاس با تقیه مداراتی

برخی به عنوان دلیلی برای حرمت وهن دین، این موضوع را با تقیه مداراگرایانه - که در روایات شیعه مطرح شده است<sup>۱</sup>- قیاس و ادعا کرده‌اند که فلسفه تشریح این نوع تقیه، حفظ مصالح دین و مذهب - از جمله جلوگیری از بروز سوء تفاهم درباره دین و پیشگیری از وقوع دین‌گریزی - بوده است (نوبهار، ۱۳۸۴: ۱۴۲).

در راستای رد این دلیل برای اثبات ما نحن فیه باید اظهار داشت که - بنا بر آنچه در کتب فقهی شیعه ذکر شده - تقیه در اصطلاح، رفتاری است که در مقابل معتقدان به دیگر مذاهب اسلامی (غیر شیعه) و حفظ کردن خود در برابر آنان و در برابر دیگران، امکان وقوع نخواهد داشت (مشکینی، بی تا: ۱۵۹). بنابراین، این دلیل نیز نمی‌تواند اثبات‌کننده حرمت وهن دین باشد.

## ۲-۸- ادله مثبتة عناوین ثانویه

دلیل دیگری که در این زمینه قابلیت استناد دارد، ادله‌ای است که در فقه شیعه برای اثبات مشروعیت عناوین (احکام) ثانویه مطرح شده است. از آنجاکه در سطور پیشین تبیین شد که قاعده حرمت وهن دین اساساً ذیل احکام ثانویه جای می‌گیرد، ادله یادشده را می‌توان محکم‌ترین مبنای اثبات این قاعده برشمرد. پیش‌تر به احکام ثانویه اشاره شد و در ادامه نیز نکاتی بیان خواهد شد.

## ۲-۹- دلیل عقلی

اسلام دینی است که داعیه جاودانگی، جامعیت و جهان‌شمولی دارد و خواهان گسترش آموزه‌های خود در تمام نقاط عالم است (قدردان قراملکی، ۱۳۸۳: ۱۰۵). لازمه عقلی جهانی بودن دعوت اسلام، منطقی و عقلانی بودن دستورات آن از منظر ناظران بیرونی است. اگر برخی دستورات اسلام در نگاه جهانیان، خشن و غیرانسانی یا فاقد توجیه منطقی جلوه کند، هرگز بستر جهانی شدن این دین فراهم نمی‌شود. از این رو تا هنگامی که ادله عقلی دستورات اسلام برای مردم تبیین نشده

۱- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، ج ۲، چاپ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، صص ۲۱۷ به بعد (باب‌التقیه).

است، می‌توان از اجرای برخی دستورات دین در راستای حفظ و گسترش اصل دین به‌طور موقت دست کشید.

### ۳- آثار و ضوابط اجرای قاعده در حکومت اسلامی

در این بخش، ابتدا به قلمرو اعمال قاعده حرمت و هن اشاره می‌شود و سپس وظایفی که حکومت اسلامی در این زمینه بر عهده دارد، تبیین می‌شود.

#### ۳-۱- قلمرو اعمال قاعده

در باره اینکه با استناد به قاعده حرمت و هن دین، از اجرای کدام دسته از احکام دین می‌توان صرف نظر کرد، باید گفت که با توجه به ادله موجود، اثبات آن در امور مباح و مستحب مسلم به نظر می‌رسد؛ یعنی اگر انجام دادن رفتاری مباح یا مستحب (مانند تبرک جستن به ضریح پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) که در نگاه وهابیان شرک به شمار می‌رود) موجب و هن دین شود، انجام دادن آن جایز نیست، اما درباره اینکه آیا می‌توان با استناد به این قاعده، از انجام دادن واجب دینی صرف نظر کرد یا مرتکب فعلی حرام شد، نمی‌توان حکم کلی صادر کرد و در هر مورد و در هر ظرف زمانی و مکانی باید نظر حاکم شرع<sup>۱</sup> را جویا شد و نباید با توسل به ادله غیرقطعی، احکام شریعت را تعطیل کرد. در ادامه این قسمت به نکاتی مستنبط از نظرهای برخی فقها اشاره می‌شود.

در جایی که مفسده ایجاد و هن بیش از مصلحت اجرای حکم باشد، حکم یادشده اجرا نمی‌شود (شیرازی، شماره ۲ پیوست). بنابراین، در هر مورد باید به قضاوت نشست و با جاری ساختن قاعده الهم فالاهم، حکم موردی را استنباط کرد.

هرگاه اجرای حکمی مستلزم مفسده اعظم باشد، طبق موازین می‌توان اجرای حکم را به‌طور موقت با تشخیص حاکم شرع به تأخیر انداخت (فاضل موحدی لنگرانی، بی‌تا، ج ۲: ۷۱). هنگامی که اجرای فوری و یک‌باره برخی احکام شریعت به دلیل وجود مانعی ممکن نباشد، باید آن دستورات اسلام را که به‌عنوان اولیه جعل شده است، با استناد به عناوین ثانویه‌ای که حادث شده است، موقتاً و تا زمانی که هنوز آن مصلحت باقی است (مادام‌المصلحه) اجرا نکرد. اساساً امور تدبیری - که شامل سیاست و حکومت‌داری نیز

۱- منظور از حاکم شرع در متون فقهی شیعه، مجتهد جامع‌الشرایط للمفتوی (بهبهانی کرمانشاهی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۳۹۸)، مجتهد عادل (گیلانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۵۸۶) یا مجتهد جامع شرایطی که به نیابت از امام‌زمان (علیه‌السلام) بر مردم حکومت می‌کند (طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۱۹۱) دانسته شده است.

می‌شود- مبتنی بر مصلحت است و تدبیر، چیزی جز رعایت مصلحت نیست. محل جاری ساختن قاعده مصلحت، هنگام پدید آمدن تراحم میان دو یا چند حکم است. تراحم میان ماهیت دو حکم صورت نمی‌گیرد، بلکه در مرحله اجرای احکام ممکن است بین دو حکم تراحم به وجود بیاید. از این رو تراحم در نتیجه عدم تمکن بر انجام دادن دو حکم الزامی پدید می‌آید و همواره جنبه اجرایی دارد نه تشریحی (عمید زنجانی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۲۷۳). بنابراین، در فقه شیعه مصلحت به‌عنوان قاعده حکم‌ساز پذیرفته نشده و تنها ناظر به مقام اجراست (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ج ۹: ۳۳).

درباره مرجع تشخیص اینکه چه موضوعی در هر زمانی موجب وهن دین می‌شود، باید عنایت داشت از آنجا که این موضوع از جمله موارد تشخیص موضوع و مصداق یک حکم است، باید آن را به عرف واگذار کرد، اما به دلیل اینکه از موضوعات اجتماعی و سیاسی است که به‌ناچار باید مرجع واحدی برای تصمیم‌گیری درباره آن وجود داشته باشد، در حکومت اسلامی - بر مبنای ادله ولایت مطلقه فقیه<sup>۱</sup> - باید مبتنی بر حکم بر ولی فقیه - به نیابت از امام معصوم (علیه‌السلام) - باشد (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ج ۴۸: ۲۱۹؛ مظاهری، شماره ۱ پیوست).

در خصوص وهن دین باید عنایت داشت که این عنوان در برخی موارد موضوعیت ندارد. برای مثال، در مواردی که به‌کارگیری شدت و غلظت علیه کفار و مشرکان مطرح باشد، هیچ فقیهی قائل نمی‌شود که اگر قتل آنان موجب وهن دین شود، دیگر واجب نخواهد بود. در مورد مرتد و جاری ساختن حد ارتداد بر وی نیز مسئله به همین صورت است و این عنوان هیچ اثری نخواهد داشت، اما در برخی موارد مانند اجرای حد رجم، اگر رجم موجب وهن دین شود، می‌توان به‌صورت موقت آن را تعطیل کرد، اما حکمی را که در ذات و ماهیت آن برخورد شدید با کفار و منحرفان وجود دارد و کفار از اجرای آن ابا دارند و موجب تنفر و دوری آنان می‌شود، نمی‌توان به استناد حرمت وهن دین، به تعطیلی آن حکم داد (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۳/۱/۹ق).

### ۳-۲- وظایف حکومت اسلامی در این زمینه

پس از تبیین مفهوم، جایگاه، مبانی و قلمرو قاعده حرمت وهن دین، اکنون هنگام آن است که به وظایف حکومت اسلامی در راستای اجرایی ساختن و جامه عمل پوشاندن به مفاد قاعده یادشده

---

۱- در صورتی که فقیه عهده‌دار ولایت زعامت و رهبری شود، ضروری است که در مصالح اجتماعی که به اداره کشور ارتباط دارد، نظر بدهد و تشخیص عناوین اولیه یا ثانویه - شرعاً - با خود اوست؛ البته می‌تواند از افرادی مورد اطمینان که نقش اماره شرعی را برای احراز موضوعات دارند، استفاده کند (موسوی خلیفانی، بی‌تا: ۳۲۷).

در ظرف جامعه پرداخته شود.

از آنجاکه حکومت اسلامی امامت جامعه را بر عهده دارد؛ یعنی کارویژه‌اش امامت جامعه است و کارویژه مهم امامت، هدایت جامعه به سوی خداوند و فراهم کردن زمینه‌های تقرب انسان‌ها به اوست، باید زمینه‌های لازم برای اجرای کامل شریعت را به‌وسیله تنویر افکار جهانیان نسبت به دستورات اسلام فراهم آورد. حکومت اسلامی در این زمینه مسئولیت دارد و باید راه درست اجرای شریعت را طراحی و اجرا کند. وجود مانع در اجرا نباید بهانه ترک احکام الهی و محروم شدن جامعه از برکات اجرای این احکام شود.

به‌طور اساسی، تفاوت اصلی حکومت اسلامی با حکومت‌هایی که بر پایه دموکراسی غربی شکل می‌گیرند، در همین نکته است که دموکراسی هیچ قیدی برای خواست مردم و اعمال حکومت قائل نیست و خود را پایبند به آیین خاص یا رعایت فضیلت‌های اخلاقی و هیچ چیز دیگری نمی‌داند و رسالت خود را تنها تأمین خواسته‌های نفسانی مردم جامعه به شمار می‌آورد. بر اساس این تفکر، حکومت موظف به در نظر گرفتن امیال مردم - هرچه که باشد - است؛ زیرا منشأ مشروعیت حکومت را خواست مردم جامعه می‌داند، اما حکومت اسلامی مجاز به تخلف از احکام الهی و عدول از حق نیست؛ زیرا مبنای مشروعیت حکومت اسلامی و فلسفه وجودی آن، اجرای دستورات اسلام است (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۵۳۹).

بنابراین، نخستین وظیفه حکومت اسلامی در این راستا، جلوگیری از رفتارهای موجب وهن اسلام، نظام اسلامی و مسلمانان است. اگر اقامه برخی حدود با کیفیت ویژه آن در منطقه‌ای خاص یا در همه مناطق یا در برهه‌ای از زمان موجب تنفر افکار عمومی از اسلام و احکام آن و در نتیجه، تضعیف اساس دین شود، حاکم مسلمانان یا متولی حوزه قضا می‌تواند - بلکه موظف است - اقامه آن حد را تا زمان توجیه افکار عمومی نسبت به مقررات و حدود اسلامی و علت وضع آن‌ها تعطیل کند (منتظری نجف‌آبادی، بی‌تا، ج ۲: ۵۰۹)؛ البته اگر امکان انجام دادن آن به صورتی که این اثر منفی را نداشته باشد، وجود داشته باشد، باید آن را بدین نحو انجام داد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، الف، ج ۳: ۳۶۱).

هنگام بروز تراحم باید عنایت داشت که هدف اسلام این است که بیماری‌های جامعه را درمان کند و مسائل اجتماعی غلط را اصلاح کند نه اینکه در هر شرایطی و با کوچک‌ترین احتمالی، دستورات اسلام را به بهانه مصلحت تغییر دهیم و این مصلحت‌اندیشی‌ها منجر به تعطیلی دین الهی شود. از این رو تمسک به قاعده مصلحت باید محدود به همان میزان اضطرار باشد و در تشخیص میزان اضطرار باید نهایت دقت را به کار گرفت و - بر اساس قاعده

«الضرورات تنقدر بقدرها» - به حداقل اکتفا کرد و دامنه آن را بی جهت گسترش نداد (سند، ۱۴۳۲ق، ج ۲: ۵۰۹). از این رو تمسک به قاعده مصلحت، نیاز به احراز دلیل قطعی و یقین آور دارد که از نظر شرعی، حجیت داشته باشد.

نکته دیگر اینکه در اسلام مصلحت نظام مقدم بر تمام امور است و همه باید تابع آن باشند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۳۳۴)، اما باید عنایت داشت که منظور از مصلحت دینی تنها حفظ و بقای حکومت سیاسی نیست. اجرای احکام دین الهی مهم تر از حکومت ظاهری است و اساساً هدف از تشکیل حکومت، اجرای احکام دین است و حکومت اسلامی از نظر ماهیت، ابزاری برای اجرای احکام اولیه اسلام است و اگر به بهانه حفظ خود بخواهد حکم به تعطیلی احکام اولیه بدهد، ماهیت خود را از دست خواهد داد. باید توجه داشت که امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز بر همین اساس که مصلحت حفظ دین را بالاتر از مصلحت تشکیل حکومت ظاهری می دانست، برای رعایت مصالح دین، ۲۵ سال از مقابله مسلحانه با غاصبان خلافت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خودداری فرمود (سند، ۱۴۳۲ق، ج ۲: ۵۱۵). آن حضرت با همین نگاه، راضی به امضای حکومت معاویه حتی برای یک روز هم نشد درحالی که اگر راضی به ابقای کوتاه مدت وی در امارت شام می شد، می توانست با جلوگیری از شورش او و اهل شام، ادامه حکومت ظاهری خود را با سهولت تضمین فرماید (عاملی، ۱۴۳۱ق، ج ۲۰: ۲۶۳). بنابراین، از نظر اسلام، حفظ حکومت به هر قیمتی برای حاکم اسلامی جایز نیست و ارزش هایی بالاتر از حکومت هم وجود دارد.

برای مثال عملی از اجرای قاعده حرمت وهن دین در جمهوری اسلامی ایران، می توان توقف اجرای مجازات سنگسار را نام برد. در شرایط کنونی، اجرای مجازات رجم با توجه به نظر بعضی از فقها موجب وهن جامعه اسلامی خواهد شد. از این رو پیش بینی قانونی صورت گرفته است که در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه، چنانچه جرم با بینه شرعی ثابت شده باشد موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه خواهد بود (گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۲۴۶). این مسئله از امتیازات فقه شیعه است که حاکم اسلامی می تواند نحوه اجرای احکام را با شرایط مکان و زمان تطبیق دهد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۱۸۶).



## نتیجه‌گیری

حرمت و هن دین می‌تواند احکام اسلام را تحت تأثیر قرار دهد؛ توضیح اینکه اجرای برخی اوامر و نواهی اولیه شارع مقدس، ممکن است موجب وهن دین اسلام در انظار انسان‌ها شود و بدین ترتیب، میان حکم اسلام با مسئله لزوم پرهیز از حرمت و هن دین در مقام عمل تعارضی رخ بدهد. در راستای حل این تعارض و مشخص کردن تکلیف در مقام اجرا می‌توان قاعده‌ای با عنوان قاعده حرمت و هن دین را به عنوان قاعده‌ای فقهی که در منظومه مباحث حقوق بشر اسلامی تفسیر می‌شود و ذیل احکام ثانویه جای می‌گیرد، مطرح ساخت که دارای مبانی نقلی و عقلی است. بر اساس نتیجه حاصل از این قاعده باید اصل را بر اجرای کامل دستورات شریعت دانست و توقف اجرای برخی احکام اسلام را به عنوان استثنا و با رعایت پنج ضابطه زیر ممکن قلمداد کرد.

- ۱- موجب تعطیلی اجرا باید شرعاً قطعی و یقین آور (حجت) باشد.
- ۲- تعطیلی محدود به همان مورد خاص است و قابل تسری به دیگر موارد مشابه نیست؛ بنا بر قاعده «الضرورات تنقذ بقدرها».
- ۳- تعطیلی موقت و مادام‌المصلحه خواهد بود.
- ۴- تعطیلی با تشخیص موهن بودن یک رفتار توسط عرف و با دستور من‌الیه‌الحکم (حاکم شرع) محقق خواهد شد.
- ۵- حکمی که موضوع جریان قاعده حرمت و هن دین قرار می‌گیرد، از موارد ممنوعه مانند مواردی که هدف در آن‌ها شدت عمل به خرج دادن است - از جمله حد ارتداد - نباشد.

یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان به عنوان مقدمه‌ای برای چندین پژوهش دیگر قلمداد کرد از جمله پژوهشی برای تعیین دقیق معیارهای عینی و ضوابط شرعی قاعده مصلحت، پژوهشی درباره ضوابط لازم‌الرعاية توسط حاکم شرع در صدور احکام مصلحتی، پژوهشی درباره مفهوم «عرف» به‌مثابه تشخیص‌دهنده موضوع و مصادیق مصلحت، پژوهشی درباره نحوه جرم‌انگاری رفتارهای موهن دین و شناسایی قواعد فقهی حقوق بشر اسلامی.

### کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*، جلد ۱، قم: جامعه مدرسین.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الازدهان*، جلد ۱۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۹/۱۲/۱۸). *حرمت اعمال وهن آمیز*، منتشر شده پایگاه اطلاع رسانی <http://www.erfan.ir/farsi/29367.html> (مشاهده در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۹).
- بهبهانی کرمانشاهی، آقا محمد علی بن وحید (بی تا). *مقام الفضل*، قم: مؤسسه علامه مجدد وحید بهبهانی.
- جمعی از مؤلفان (بی تا). *مجله فقه اهل بیت علیهم السلام*، جلد ۴۸، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). *الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية*، جلد ۶، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*، جلد های ۴، ۷، ۱۲، ۱۴، ۱۷ و ۲۸، قم: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام).
- خامنه ای، سید علی (۱۳۹۳). *اجوبه الاستفتائات*، چاپ ۳، تهران: فقه روز.
- خامنه ای، سید علی. *مناسک حج محشی (شرایط وجوب حجة الاسلام)*، منتشر شده در پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری (<http://leader.ir/fa/book/124?sn=20428>)، (مشاهده در تاریخ ۱۳۹۸/۹/۸).
- خامنه ای، سید علی (۱۳۷۱/۳/۳). *پاسخ به سؤالات حجت الاسلام ری شهری*، منتشر شده در پایگاه حفظ و نشر آثار (<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=11136>)، (مشاهده در تاریخ ۱۳۹۸/۹/۵).
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*، جلد های ۸ و ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت الله علیه).
- خمینی، سید روح الله (۱۴۲۴ق). *توضیح المسائل*، جلد ۲، چاپ ۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- سند، محمد (۱۴۳۲ق). *بحوث فی القواعد الفقهیة*، جلد ۲، بیروت: دارالمتقین.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (الف). *آیین قضاوت در اسلام*، منتشر شده در پایگاه اطلاع رسانی <http://www.saafi.com/book/5845> (مشاهده در ۱۳۹۸/۹/۱۰).

- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (ب). آیین قضاوت در اسلام، منتشر شده در پایگاه اطلاع‌رسانی <http://www.saafi.com/book/5844> (مشاهده در تاریخ ۱۳۹۸/۹/۱۰).
- طاهری، حبیب‌الله (۱۴۱۸ق). حقوق مدنی، جلد ۱، چاپ ۲، دفتر انتشارات اسلامی.
- عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۳۸۶). الصحيح من سيرة النبي الاعظم (ص)، جلد ۲۸، قم: دارالحدیث.
- عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۴۳۱ق). الصحيح من سيرة الامام علي (ع)، جلد ۲۰، بیروت: المركز الاسلامی للدراسات.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴). فقه سیاسی؛ قواعد فقه سیاسی (مصلحت)، جلد ۹، تهران: امیرکبیر.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶). قواعد فقه؛ بخش حقوق عمومی، جلد ۳، تهران: سمت.
- عمید، حسن (۱۳۹۰). فرهنگ فارسی عمید، چاپ ۳۸، تهران: امیرکبیر.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۵/۶/۱۹). پایگاه اطلاع‌رسانی <http://www.fazellankarani.com/persian/news/9423> (مشاهده در ۱۳۹۸/۹/۲۹).
- فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۴۳۳/۱/۹). پایگاه اطلاع‌رسانی [http://www.lankarani.com/far/news/show\\_news.php?id\\_news=315](http://www.lankarani.com/far/news/show_news.php?id_news=315) (مشاهده در تاریخ ۱۳۹۸/۹/۲۹).
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۲۶ق). احکام عمره مفرده، چاپ ۱۱، قم: امیر قلم.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (بی تا). جامع المسائل، جلد ۲، چاپ ۱۱، قم: امیر قلم.
- فیاض کابلی، محمداسحاق (بی تا). تعالیک مبسوطه علی العروة الوثقی، جلد ۵، قم: محلاتی.
- قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۸۳). جاودانگی شریعت و ملاک‌های آن، فقه و حقوق، شماره ۳.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، جلد ۲، چاپ ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن، جلد ۶، چاپ ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قمی مشهدی، محمدبن محمد رضا (۱۳۶۸). تفسیر کنزالذائق و بحر الغرائب، جلد ۴، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کدیور، محسن (۱۳۸۶). حق الناس، تهران: کویر.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۴). محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ ۵، تهران: مجد.
- گیلانی (میرزای قمی)، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۴۱۳ق). جامع الشتات فی اجوبة السؤالات، جلد‌های ۱ و ۴، تهران: مؤسسه کیهان.

محقق داماد یزدی، سیدمصطفی (۱۴۰۶ق). قواعد فقه، جلد ۱، چاپ ۱۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مشکینی، میرزاعلی (بی تا). مصطلحات الفقه، بی جا.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، جلد ۳، تهران: مرکزالکتاب للترجمة والنشر.

مظاهری، حسین (۱۳۹۵). رساله استفتائات؛ پرسش‌ها و پاسخ‌های فقهی، جلد ۱، اصفهان: مؤسسه فرهنگی-مطالعاتی الزهرا.

مظفر، محمدرضا (بی تا). اصول الفقه، جلد ۲، قم: اسماعیلیان.

مکارم شیرازی ناصر (۱۴۲۷ق، الف). استفتائات جدید، جلد ۳، چاپ ۲، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).

مکارم شیرازی ناصر (۱۴۲۷ق، ب). دائرةالمعارف فقه مقارن، جلد ۳، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، جلد ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ملکی تبریزی، جوادبن شفیع (۱۳۷۶). المراقبات، ترجمه ابراهیم محدث بندریگی، قم: نشر اخلاق.

منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه، جلد ۱، چاپ ۲، قم: نشر تفکر.

منتظری نجف آبادی، حسین علی (بی تا). رساله استفتائات، جلد ۲، قم: بی جا.

موسوی خلیلی، محمد مهدی (بی تا). حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

موسوی خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). المستند فی شرح العروة الوثقی، جلد ۱، بی جا.

نوبهار، رحیم (۱۳۸۴). بررسی قاعده فقهی حرمت تنفیر از دین، تحقیقات حقوقی، یادنامه دکتر شهیدی.

هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۴). منشور سیاست، تهران: بنیاد فقه و معارف اهل بیت (علیهم السلام).

### پیوست

نگارنده این سطور در راستای غنای بیشتر پژوهش حاضر، از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر چند تن از مراجع تقلید شیعه با سه پرسش مشترک، به شرح ذیل استفتا به عمل آورده است که پاسخ‌های ایشان عیناً و بدون دخل و تصرف بیان می‌شود.

### پرسش‌ها

۱. معنای دقیق و هن دین چیست؟
۲. آیا می‌توان با استناد به و هن اسلام یا مذهب، اجرای حکم واجبی (مانند رجم) را تعطیل کرد؟
۳. تشخیص موهن مذهب بودن با کیست؟

۱- پاسخ دفتر آیت‌الله حسین مظاهری؛ شماره سؤال: ۳۸۷۰۱

«بسمه تعالی»

تشخیص این‌گونه چیزها عرفی است و آنچه نوشته‌اید با صلاح‌دید حاکم شرع جایز است.

حسین المظاهری»

۲- پاسخ کارشناسان دفتر آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجانی

«در جایی که مفسده و هن بیش از مصلحت یک حکم باشد، حکم مذکور اجرا نمی‌شود؛ در بسیاری از موارد درجه اهمیت را مجتهد مشخص می‌کند».

۳- پاسخ دفتر آیت‌الله سیدکمال حیدری

«بسم الله الرحمن الرحيم

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

وهن دین یعنی تضعیف دین و هر عملی که سبب تضعیف دین شود، جایز نیست.

اجرای احکام اسلامی به دست حاکم شرع است و اوست که به صلاح‌دید دین و جامعه و

مردم، احکام‌هایی را وضع می‌کند که مناسب است [و] اجرا می‌نماید.

همیشه موفق باشید».

۴- پاسخ دفتر آیت‌الله محمدهادی گرامی

«بسمه تعالی»

در موارد تراحم بین یک حکم و حکم مهم‌تر باید رعایت شود. هر دو حکم شرعی هستند.

برای قتل نفس حرام است، دست زدن به نامحرم هم حرام است. اگر تراحم شد، باید قتل را که

مهم‌تر است، رعایت نمود. اگر معلوم نشد حضوراً سؤال کنید.

والسلام».

۵- پاسخ دفتر آیت الله ناصر مکارم شیرازی (کد رهگیری: ۹۵۱۱۲۹۰۱۵۶)

«با اهدای سلام و تحیت

۱- منظور از وهن هر کاری است که موجب بدبین شدن دیگران به دین و مذهب و پایین آمدن ارزش دین باشد و تشخیص آن با حاکم شرع و مراجع تقلید است، ولی نباید در برابر هر شعاری از سوی مخالفین تسلیم شد.

۲- ظاهر ادله در کیفیت و ابزار مجازات در اجرای برخی از حدود، موضوعیت است، ولی با عناوین ثانویه می توان آن را تغییر داد و در بسیاری از شرایط در عصر و زمان ما انتخاب شیوه رجم یا حد جرم‌هایی مانند لواط مشکل دارد. شرح بیشتر در کتاب حدود آمده است. همیشه موفق باشید.

دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی / استفتائات».

۶- پاسخ دفتر آیت الله مهدی هادوی تهرانی

«بسمه تعالی

وهن دین به معنای سبک شمرده شدن و اهانت آمیز بودن است. تشخیص تحقق این عنوان با عرف است. در تراجم‌های اجتماعی که وهن دین با اجرای یکی از واجبات یا ترک محرمات تنافی پیدا می کند، حاکم شرع می تواند حسب مصالح و اهمیت، نسبت به ترجیح یکی از دو طرف اقدام کند».

۷- پاسخ دفتر آیت الله یوسف صانعی

«بسمه تعالی

با عرض سلام

تعطیل احکام به هیچ وجه جائز نیست؛ چون قوانین اسلام برای همیشه است و شارع تعالی رعایت مصلحت را نموده و برای همه دور آن‌ها هم رعایت مصلحت نموده؛ چون برای همیشه است و اصولاً جواز تغییر احکام بر می گردد به نفی حاکمیت و قانون گذاری شارع و شرک در قانون گذاری است «ان الحکم الا لله یقض الحق و هو خیر الفاصلین» و بعد از آنکه امری به صورت حکم اسلام مطرح باشد و فقیه آن را حکم اسلامی دانسته و از منابع استفاده نموده، همان حکم برایش حجت است و جایگزین نمودن چیز دیگر به جای آن افترا علی الله، بلکه با شک در بودن و نبودن آن در اسلام چه رسد به علم به نبودن که تشریح و ادخال ما لیس من الدین فی الدین است و مسئله ناپسندی جوامع یا خشن دانستن آن‌ها احکام اسلام را نمی تواند مشروع باشد و قوانین اسلام، تابع انظار و بینش‌های دیگران نیست و الا احکام باید به تدریج تغییر کند و در نتیجه، اسلامی نمی ماند تا خشن باشد یا سهل آری! وقتی به این گونه مسئله‌ها برخورد نمودیم، دقت زیادتری در استنباطمان بنماییم تا شاید به نظریه

و فتوای مثل میرازی قمی (قدس سره) برسیم که معتقد است جواز اجرای حدود در زمان غیبت، محل تأمل و توقف است و باید به جای آن‌ها تعزیر نمود یا در رابطه با اثبات آن به طرق خاصه یعنی چهار مرتبه اقرار عن وجدان دینی و وضعی که در روایات آمده یا چهار شاهد عادل آن هم با وضع خاص به خود که غالباً، بلکه به‌طور کلی، در ازمنه بعد از زمان حضور ائمه معصومین (صلوات‌الله علیهم اجمعین) تحقق پیدا نکرده و نمی‌کند که بنده بر این نظر هستم و راه اثبات را در حدود عرضیه، منحصر به همان دو راه می‌دانم لاغیر. به‌هرحال، با یکی از این دو نظریه، اشکال‌ها مندرج می‌گردد و احکام اسلامی با توجه به فتوای فقهای عظام برای همیشه محفوظ می‌ماند و شبهه تغییر و تجدیدنظر در احکام و همیشگی نبودن آن به وجود نمی‌آید».

۸- پاسخ دفتر آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی (کد رهگیری: ۹۵۰۳۴۴۹)

«بسمه تعالی

سلام علیکم

معنای وهن مذهب آن است که مذهب ضعیف و سست شود و دیگران با دید بی‌حرمتی به مذهب نگاه نمایند و به مذهب بی‌احترامی نمایند.

اگر حاکم شرع (مجتهد جامع‌الشرايط) تشخیص بدهد که اجرای برخی از احکام مانند رجم موجب وهن مذهب و دین می‌شود و مورد هجمه دشمنان دین و مذهب قرار می‌گیرد و مفسده اجرا کردن حکم بیشتر از مصلحت اجرایی آن است، می‌تواند آن را تعطیل یا تبدیل به مجازات دیگری که مشابه آن باشد، نماید. هر حکمی که مربوط به حق‌الله باشد، با مصلحت حاکم شرع قابل تعطیل یا تبدیل می‌باشد و قاعده اهم و مهم در فقه، منبع این مسئله است».

۹- پاسخ دفتر آیت‌الله حسین نوری همدانی (کد رهگیری: ۲۷۸۱۳)

«بسمه تعالی

سلام علیکم

لازم است مسلمین از مسلمات دینی و احکام شرعی خود در هیچ شرایطی دست برندارند و به القای شبهه و یا سخریه کفار و جاهلین در این زمینه اعتنا نمایند».